

ماجرای «شیشی» که گربه‌دار می‌زده!

سجاد پور - سارق معروف به «شیش» که با هوشیاری نیروهای گشت نامحسوس کلانتری شقای مشهد دستگیر شده است، به سرت باتری خودروهای پراید اعتراف کرد.
به گزارش اختصاصی خراسان، این سارق شب‌رو، اواخر هفته گذشته در بولوار عبدالمطلب مشهد هنگامی به دام افتاد که نیروهای انتظامی با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد علی امار (لو رئیس کلانتری) در حال گشت‌زنی‌های نامحسوس در حوزه استحفاظی خود بودند که ناگهان جوانی را پشت درختان خیابان مشاهده کردند. آن جوان که کیسه‌ای در دست داشت با دیدن نیروهای انتظامی پابه‌فرار گذاشت اما بعد از طی مسافتی کوتاه دستگیر شد. ماموران حین بازرسی، از پشت درختان باتری سرقت‌شده‌یک پرایدرا پیدا کردند و سارق جوان را به کلانتری انتقال دادند. این جوان سابقه دار که در دایره تجسس مورد بازجویی‌های فنی قرار گرفته بود، به‌سرت بیش از ۱۰ باتری از خودروهای پراید اعتراف کرد. آن‌چه می‌خوانید نتیجه گفت‌وگوی خراسان با این سارق حرفه‌ای است که قرار بود پرونده‌وی در دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی‌های کارشناسی و روان‌شناختی قرار گیرد.

اسمت چیست؟ – هـ-غ ولی در میان دوستانم به «شیش» معروفم!

چرا به این نام معروفی؟ زمانی که در خانه‌هاو پاتوق‌های حاشیه‌شهر زندگی می‌کردم گاهی وقت‌ها هفته‌ها و ماه‌ها می‌گذشت من به حمام نمی‌رفتم به‌طوری‌که سرم شیش می‌گرفت. دوستانم وقتی شیش‌های روی سرم را می‌دیدند، دورام می‌کردند و به من می‌خندیدند و بدین ترتیب به‌تدریج این‌بار من را برنهادند!

از این که شیش صدایت می‌زند، ناراحت نمی‌شدی؟ خیر اتفاقا از این‌که در میان خلافکاران اسم در کرده بودم، خوشحال می‌شدم!

چند سال داری؟ ۳۶ سال

جرمت چیست؟ سرقت

چقدر سواد داری؟ تا پنجم ابتدایی در س

چرا ادامه تحصیل ندادی؟ من جزو دانش آموزان ضعیف مدرسه بودم و از لحاظ ذهنی توانایی و کشتش درس خواندن را نداشتم و سرانجام به دلیل رفتارهایم و نزاع و درگیری که در مدرسه با معلمان و دانش‌آموزان داشتم، از مدرسه اخراج‌شدم.

چرا تصور می‌کنی توانایی ذهنی برای درس خواندن نداشتی؟ بچه که بودم از بالای درخت توت افتادم و جمجمه‌ام شکست. مدت‌ها در بیمارستان بستری بودم و در کما به‌سرمی‌برد و درحالی‌که خانواده‌ام از من قطع‌امید کرده

بودند، در کمال یابوری زنده‌ماندم. در آن حادثه سرم آسیب‌شدیدی دید و شاید به آن دلیل، از لحاظ ذهنی دچار مشکل شدم.

به‌کاری مشغول هستی؟ خیر بیکارم

چند خواهر و برادر داری؟ سه خواهر دارم و متنها برادرم را در کودکی از دست دادم.

پدر و مادر ت در قید حیات هستند؟ از وضعیت حیات مادرم هیچ اطلاعی ندارم و واقعا نمی‌دانم از دنیارفته‌یا زنده‌است. ابرای آخرین بار در ۲۰ سالگی اورا دیدم. بعد از این که پدرم به جرم حمل مخدر به حبس ابد محکوم و

راهی زندان شد، مادرم از او طلاق گرفت و مجدداً ازدواج کرد و بدین ترتیب برای همیشه ما را ترک کرد.

پس از این که پدرت به زندان افتاد تو و خواهرانت چه سرنوشتی پیدا کردید؟ دو خواهر بزرگ‌ترم اعتیاد به‌مواد مخدر داشتند و با فروش بخشی از وسایل منزل قصد داشتند کار پدرم

(خرید و فروش مواد مخدر) را ادامه دهند اما موفق نشدند. یکی از خواهرانم پس از مدتی توسط ماموران مبارزه با مواد مخدر دستگیر و راهی زندان شد و خواهر دیگرم نیز به‌تدریج کارتن‌خواب‌شد. من نیز مدتی از خواهر کوچک‌ترم مراقبت کردم اما پس از مدتی او نیز راهی بهزیستی‌شدوم‌ن در منزلی مجردی در حاشیه شهر ساکن شدم.

از دوران کودکی و نوجوانی‌ات چه چیزهایی به‌خاطر می‌آوری؟ روزهای سختی را در آن دوران سپری کردم. من ساقی پدرم بودم و پدرم از همان کودکی خلأکاری و فروش مواد مخدر را به‌مامی‌آموخت. او با هر بهانه کوچکی کتکمان می‌زد و می‌گفت اگر توسط ماموران دستگیر شدید، حق ندارید اعتراف کنید و نامی از من ببرید. من و خواهران بزرگ‌ترم به‌بهانه دو چرخه‌سواری از خانه‌خارج می‌شدیم و در حین بازی‌های کودکانه در محله‌مان مواد مخدر می‌فروختیم و هر چه دست‌لاقمی‌کردیم بی‌کم و کاست به‌پدرم تحویل می‌دادیم!

اکنون از وضعیت خواهرانت مطلبی؟ خیر تنها می‌دانم یکی از خواهرانم که کارتن‌خواب‌است با مردی غریبه در قسمت بار کامیون در یکی از شهرک‌های حاشیه‌ای شهر زندگی می‌کند!

شغل پدرت چه بود؟ در ابتدا جاربافی می‌کرد اما پس از آن‌که معتاد شده‌یک کارخلاف‌رواورد.

تلخ‌ترین خاطره دوران کودکی‌ات را به

خاطر داری؟ کودکی من پر از خاطرات تلخ و وحشتناک‌است اما تلخ‌ترین آن مربوط به‌زمانی‌است که پدرم شکنجه‌مان می‌کرد. او روی دیوار میخ بزرگی نصب کرده بود و وقتی ما خطایی مرتکب می‌شدیم ما را با لباس از آن آویزان می‌کرد. آن لحظات تلخ‌ترین و سخت‌ترین لحظاتی بود که در آن دوران تجربه‌می‌کردم. خیلی می‌ترسیدم و با گریه به پدرم التماس می‌کردم که من را پایین بیاورد!

یعنی پدرت را دوست نداشتی؟ خیر از او متنفر بودم، او بیش از هر چیز به‌ما دروغ‌گویی و



فربیکاری‌رامی‌آموخت.

فکر می‌کنی این رفتارهای خشونت‌آمیز پدرت چه تأثیری بر رفتارهایت گذاشته؟ این خشونت‌ها تأثیر بسیار بدی بر روحیه‌ام می‌گذاشت به‌طوری‌که من از همان کودکی بسیار خشن بودم و خیلی وقت‌ها حیوان‌آزاری می‌کردم مثلاً یکی از تفریحاتم این بود که گربه‌های

والگردار در حیاط خانه‌مان حلق‌آویز می‌کردم! از تباط‌ت با مادر ت چگونه بود؟ وقتی کودک بودم از تباط خوبی داشتم اما هنگامی‌که به سن نوجوانی رسیدم، مادرم نیز به‌مواد مخدر اعتیاد پیدا کرد و او هم مانند پدرم سنگدل و بی‌رحم‌شد!

اعتیاد داری؟ بله از ۲۰ سالگی مصرف مواد مخدر را آغاز کردم البته من از کودکی با مواد مخدر آشنا‌شدم و چندین بار به‌صورت تفریحی یا از سر کنج‌کاوای مواد مخدر استعمال کردم. **چطور به مصرف مواد مخدر رو آوردی؟** بعد از این که پدرم به‌زندان افتاد، سر از پاتوق‌ها و منازل مجردی حاشیه‌شهر درآوردم و در کنار رفقایم مصرف مواد مخدر را آغاز کردم.

هم اکنون چه چیزی استعمال می‌کنی؟ روزی ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان شیشه‌و کریستال مصرف می‌کنم.

تا به‌حال سعی در ترک مواد مخدر داشتی؟ خیر

اولین بار کی مرتکب سرقت شدی؟ من از

کودکی سرت می‌کردم زمانی‌که به مدرسه می‌رفتم از داخل کیف همکلاسی‌هایم خوراکی و پول هایشان را می‌دزدیدم تا این‌که به‌خاطر همین رفتارهایم از مدرسه اخراج‌شدم.

خلاف را از کجا آغاز کردی؟ کار خلاف را از کودکی باخريدو فروش مواد مخدر آغاز کردم، به‌گونه‌ای که وقتی تنها ۱۱ سال داشتم، من و خواهر بزرگ‌ترم مواد را داخل کفش‌یا جورابمان جاسازی کردیم و در محله‌مان می‌فروختیم.

بزرگ‌ترین آرزوی دوران کودکی‌ات چه بود و دوست داشتی چه کاره‌شوی؟ بزرگ‌ترین آرزوی کودکی‌ام این بود که روزی مغازه‌پرنده فروشی داشته‌باشم!

چرا؟ وقتی خیلی کوچک بودم، پدرم بیکار بود و مادرم در خانه‌های مردم کارگری و نظافت می‌کرد تا هزینه‌های زندگی‌مان را تأمین کند و گاهی وقت‌ها نیز من و خواهر کوچک‌ترم را با خودش می‌برد. من از دیدن زندگی لوکس و مرفه برخی از افراد

متمولی‌که مادرم در خانه‌آن‌ها کارگری می‌کرد لذت می‌بردم. خیلی وقت‌ها یواشکی به داخل اتاق کودکانشان می‌رفتم و با حسرت اسباب بازی هایشان را تماشا می‌کردم. روزی در منزل یکی از این خانواده‌هایک جفت مرغ عشق دیدم. در عالم‌پجگی با گریه، التماس می‌کردم من هم از این پرندهمی‌خواهم. صاحبخانه‌دلش برایم سوخت و مبلغی پول به‌مادرم داد تا برای من یک پرنده بخرد اما وقتی به‌خانه بازگشتم این پول خرج مواد پدرم شد. با این‌که وقتی بزرگ‌تر شدم برای خودم یک جفت مرغ عشق خریدم اما حسرت آن پرنده‌ها بر دلم‌ماند!

آیا خدمت سربازی را گذرانده‌ای؟ خیر.

سابقه کیفری داری؟ بله بیش از پنج سابقه کیفری دارم.

تحت عنوان چه جرایمی؟ خرید و فروش مواد مخدر، سرقت و شرب خمر و نزاع و درگیری.

انگیزه‌اولیه و اصلی شما از انجام این جرایم چه بوده‌است؟ خرید و فروش مواد مخدر و سرقت را با انگیزه تأمین هزینه‌های مواد مخدر انجام دادم اما در خصوص پرونده‌های متعدد نزاع و درگیری، باید بگویم که من از دوران نوجوانی به احساسات و حقوق دیگران کاملاً بی‌تفاوت بودم و همیشه مستبدانه و سنگدلانه با دیگران برخورد می‌کردم. اعتقادم این‌است که همیشه حق با من‌است و هر آن‌چه‌را که می‌خواهم باید انجام‌شود. گاهی وقت‌ها حس می‌کردم اگر فحش بدهم،

انفجار مرگبار در مجتمع‌های پتروشیمی عسلویه

دارد. عبدالنبی یوسفی، فرماندار عسلویه هم درباره این حادثه اظهار کرد: مصدومان این انفجار به بیمارستان عسلویه منتقل شدند. این حادثه در سایت ۲ پتروشیمی‌های عسلویه اتفاق افتاده

کتک کاری کنیم یا وسیله‌ای را بشکنم، احساس آرامش می‌کنم. نمی‌دانم گاهی فکر می‌کنم ارواح شیطانی من را تسخیر کرده‌اند و برخی کارهایم دست خودم نیست!

چرا پس از آزادی از زندان دوباره مرتکب جرم می‌شدی؟ پس از آزادی از زندان مجدداً مصرف مواد مخدر را آغاز می‌کردم و برای تأمین هزینه‌های مواد مخدر چاره‌ای جز انجام کار خلاف نداشتم.

آیا قبل از دستگیری از عمل خود پشیمان شده‌ای یا از ارتکاب جرم احساس گناه داشته‌ای؟ خیر به‌هیچ‌عنوان!

نگاهت به آینده چیست؟ هیچ‌تصورى از آینده ندارم. همین‌که امروز بتوانم کلیم خودم را از آب بیرون بکشم برایم کافی‌است!

آیا اکنون احساس خوشبختی می‌کنی؟ خیر درست از همان زمان که پدرم من را به‌میخ‌روی دیوار آویزان کرد، فهمیدم باید با خوشبختی خداحافظی‌کنم!

یعنی خودت را در سرنوشت پیش‌آمده مقصر نمی‌دانی؟ خودم هم مقصر هستم اما اگر در خانواده دیگری به‌دنیا می‌آمدم شاید سرنوشت دیگری داشتم.

اگر به گذشته برگردی چه مسیری را در زندگی‌ات انتخاب می‌کنی؟ دیگر به‌سراغ‌مواد و شیشه‌نمی‌روم.

از دواج کردی؟ بله دوبار از دواج کردم که هر دو به طلاق منجر شد. بار اول وقتی ۲۵ سال داشتم، عاشق شدم و به واسطه یک دوستی خیابانی از دواج کردم که پس از مدت کوتاهی به طلاق منجر شد و برای دومین بار در ۲۹ سالگی به‌صورت موقت از دواج کردم که آن‌هم به‌جدایی ختم‌شد.

فرزند هم داری؟ از دواج اولم یک فرزند دختر دارم که در بهزیستی به‌سر می‌برد.

دخترت چند سال دارد؟ فکر می‌کنم اکنون دیگر ۱۰ ساله‌است.

به ملاقات دخترت در بهزیستی هم می‌روی؟ خیر مدت‌هاست که اورا ندیده‌ام.

چه توصیه‌ای برای خوانندگان روزنامه خراسان داری؟ از پدر و مادرها می‌خواهم فرزندان‌شان را راه‌انکنند. به‌جوانان هم توصیه می‌کنم به‌سراغ‌مواد مخدر نروند!

در بخشی از سخنانت به این نکته اشاره کردی که دخترت در بهزیستی به‌سر می‌برد و مدت‌هاست که اورا ملاقات نکردی، به‌عنوان آخرین سوال می‌خواهم بدانم آیا دلت بر این تنها فرزندت که احتمالاً چشم به‌راه پدرش‌است، تنگ نشده؟ متهم در پاسخ به این سوال آهی از سراسفوس کشید و در حالی‌که به‌فکر فرو رفته بود، سکوت کرد و دیگر سخنی نگفت.

است. در گزارش منتشر شده در پایگاه اطلاع‌رسانی منطقه ویژه پارس اعلام شده این حادثه ارتباطی به شرکت مبین انرژی نداشته و در محدوده فاز دوم شرکت‌های پتروشیمی منطقه به‌وقوع پیوسته و کلیه واحدهای عملیاتی شرکت مبین انرژی بدون مشکل در مدار سرویس قرار دارند.

حوادث

۹

در امتداد تاریکی

و عده‌از دواج برای سوءاستفاده!

دخترم که به دلیل شرایط خانوادگی، تاکنون دو بار ازدواج ناموفق داشته‌است، اکنون مرا تهدید می‌کند شناسنامه‌اش را در اختیارش بگذارم تا برای بار سوم با جوان معتادی از دواج کند که در یک پاتوق زندگی می‌کند...

زن ۴۸ ساله که برای بازداشتن دخترش از یک ازدواج نامعقول دیگر وارد کلانتری یجتن‌مشهد شده بود، درباره سرگذشت تاسف‌بار دخترش به مشاور و مددکار اجتماعی گفت: ۱۵ سال قبل به دلیل اختلافاتی که با همسرم داشتم از او جدا شدم و حضانت دختر و پسرم را به‌عهده‌گرفتم. آن زمان دخترم ۱۱ سال بیشتر نداشت و من با کارگری در خانه‌های مردم اورا بزرگ‌کردم. همسر من نیز با زن دیگری از دواج کرد و به دنبال سرنوشت خودش رفت. خلاصه حدود پنج سال قبل در حالی‌که دخترم به ۲۱ سالگی رسیده بود با یک مهاجر تبعه خارجی ازدواج کرد و چون آن جوان مجوز اقامت در ایران را نداشت به‌همین دلیل فقط یک صیغه‌محریت بین آن‌ها جاری شد چرا که آن جوان مدارک هویتی ایرانی نداشت. امکان ثبت رسمی این ازدواج هم میسر نبود. با وجود این، مدتی بعد آن جوان تبعه‌خارجی به‌طور ناگهانی محل سکونتش را تغییر داد و ناپدید‌شد. به‌طوری‌که من و دخترم هیچ‌گاه نتوانستیم خبری از او به‌دست‌بیآوریم. مدتی بعد دخترم مجبور شد از او جدا شود. بعد از این مهاجر توان کنترل دخترم را نداشتم و او هر کاری که دلش می‌خواست، خودسرانه انجام می‌داد. درحالی‌که دیگر حریف رفتارهایش نمی‌شدم، بار دیگر به‌مقدموقت یک جوان ایرانی درآمد و از بهرام‌نیز صاحب‌یک فرزند شد اما چون ازدواج‌آن‌ها در جایی ثبت نشده بود، همسرش نیز بار مسئولیت یک فرزند بی‌شناسنامه نرفت، به‌همین دلیل دخترم مجبور شد فرزندش را به بهزیستی تحویل دهد چرا که از تعات بزرگ کردن آن پسر و خشت‌داشت. مدتی بعد افسردگی به‌سراغش‌آمد و سر درگمی‌وتردید و خودش را فرا گرفت. او گاهی برای دیدن فرزندش به بهزیستی می‌رفت و گاهی نیز به روستای محل سکونت پدرش سری می‌زد تا بتواند اجازه پدرش را برای ازدواج رسمی بگیرد اما خانواده همسر دوم پدرش از او به اتهام ایجاد مزاحمت‌شاکی‌شدند و من به سختی رضایت آن‌ها را گرفتم تا دخترم محاکمه نشود اما اکنون دوباره منزل را ترک کرده و به وعده‌های پوچ جوانی معتادلا بسته‌است که در پاتوق خلافکاران و معتادان زندگی می‌کند. وقتی دخترم مرا تهدید کرد که باید شناسنامه‌اش را به‌او بدهم تا با آن جوان معتاد از دواج کند، به تحقیق درباره خانواده «دارپوش» پرداختم و متوجه‌شدم که خانواده او اوضاع نابسامانی دارند و از وضعیت اخلاقی خوبی برخوردار نیستند. در عین حال دخترم مدتی‌است که در پاتوق محل سکونت آن جوان به‌سر می‌برد و من دانم وعده ازدواج او فقط برای سوءاستفاده از دخترم‌است. در همین حال دخترم به پشتیبانی آن خانواده خلافکار اکنون مزاحمت‌هایی را نیز برای من و پسریم ایجاد می‌کند...

شایان ذکر است، با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ غلامعلی مالدری (رئیس کلانتری پنجت) خدمات مشاوره‌ای و قضایی درباره ادعاهای این زن میان سال توسط کارشناسان زبده کلانتری آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

شیرا اکسپزن فاز دوم مجتمع پتروشیمی منطقه عسلویه، متعلق به شرکت دماوند انرژی، ساعت ۹ و ۲۰ دقیقه دیروز روی خط لوله ارتباطی پتروشیمی فاز ۲ منطقه پارس دچار ترکیدگی و انفجار شد. به گزارش ایسنا، معاون فرماندار عسلویه در این باره گفت: این حادثه که پیش از ظهر دیروز اتفاق

کوتاه‌از حوادث

• **میزان/** سردار احمد طاهری، فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان از دستگیری سه سوداگر مرگ و کشتف ۴۰۲ کیلو مواد افیونی در درگیری مسلحانه تکاوران پلیس شهرستان خاش با قاچاقچیان مسلح مواد مخدر خبر داد.

• **پلیس/** حسن مخمّمی شهرستانی، فرمانده انتظامی استان مرکزی از کشف یک پرونده ۱۳۴ میلیارد ریالی تبانی، اختلاس و ارتشا و دستگیری چهار نفر از متهمان این پرونده در یکی از شهرستان‌های استان خبر داد.

• **مهر/** سرهنگ کارآگاه علی کنجوریان رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران از دستگیری دو جاعل خبر داد که با صدور «گواهی کسر از حقوق» جعلی، زندانیان را آزاد می‌کردند.

• **فارس/** سرهنگ محمود مالمیر رئیس کلانتری ۱۵۰ تهرانسرا در دستگیری دو متهمی خبر داد که با پوشیدن لباس یگان ویژه، خود را مأمور معرفی و از هموطنان اخاذی می‌کردند.

• **باشگاه خبرنگاران جوان/** سرهنگ علی شالمور رئیس پایگاه سوم پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ از کشف یک قبضه سلاح جنگی و یک قبضه سلاح شکاری و ۵۳ عدد فشنگ جنگی و دستگیری یک متهم در این زمینه در شمال تهران خبر داد.

• **پرن/** سردار مرتضی میرزایی فرمانده انتظامی مازندران از دستگیری اعضای باند ۵ نفره سرت کوشی همراه با ۱۷۵ فقره سرت توسط پلیس آگاهی شهرستان قائم‌شهر خبر داد.

| ردیف | شرح عملیات | برآورد کل به ریال | مبلغ سپرده به ریال | رتبه | میزان تهاثر |
|--|--|-------------------|--------------------|--|-------------|
| ۱ | خرید و حمل بتن پروژه غیرمسطح ماهان- آزادی یا برآورد کل | ۲۸/۶۶۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۱/۴۳۵/۰۰۰/۰۰۰ | ارانه پروانه بهره برداری مهتر تولید و عرضه بتن آماده از وزارت صنعت، معدن و تجارت | ۱۰۰٪ نقدی |
| ۱-سپرده شرکت در مناقصه به یکی از روشهای ذیل ارائه گردد. ضمانت نامه بانکی معادل مبلغ فوق که به مدت ۹۰ روز اعتبار داشته و قابل تمدید باشد و یا واریز فیش نقدی به مبلغ فوق به حساب ۷۰۰۷۸۶۹۴۸۶۲۳ بانک شهر. ۲- برندگان نفر اول و دوم مناقصه هراکه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد. ۳- شهرداری کرج در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است. ۴- مبلغ ۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال بابت هزینه خرید اسناد به حساب ۷۰۰۷۸۵۳۱۳۷۹۵ نزد بانک شهر شهرداری واریز و رسید آنرا ارائه نمایند. ۵- متقاضیان می توانند از تاریخ انتشار آگهی جهت خرید اسناد مناقصه به اداره امور قرارداده‌ا و پیمانها واقع در میدان توحید- بلوار بلال شهرداری کرج طبقه هفتم مراجعه نمایند. ۶- در هر صورت مدارک مندرج در اسناد مناقصه ملاک فروش اسناد و معقابا عقد قرارداد خواهد بود. ۷- توضیح اینکه به غیر از سپرده شرکت در مناقصه کلیه اسناد و مدارک مربوط به پیمانکاران شرکت در مناقصه نزد شهرداری باقی می‌ماند. ۸- لازم به ذکر است هنگام خرید اسناد ارائه پروانه بهره برداری مرتبط ، معرفی نامه مهور به مهر و اعضای مدیرعامل، روزنامه آخرین آگهی تعمیرات اعضای شرکت، گد اقتصاد و گواهینامه صلاحیت ایمنی معتبر یا ارائه مدارک مبتنی بر ثبت نام الزامی می باشد. ۹- شرکت کنندگان در مناقصه می بایست کلیه فرما و اطلاعات مورد درخواست شهرداری را تکمیل و به همراه سایر اسناد مناقصه در پاکت مربوطه قرار دهند. ۱۰- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است. ۱۱-پیشنهادهات می بایست در پاکتهای مجزا (الف-ب-ج) لاک و مهرور به مهر شرکت شده و پس از الصاق هولوگرام بر روی پاکت ج تا پایان وقت اداری روزسه شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۱۸ به آدرس کرج -میدان توحید - بلوار بلاز دبیرخانه شهرداری کرج تحویل داده شود. ۱۲-پیشنهادهات رسیده در مورخ ۱۴۰۰/۳/۱۹ ادر کمیسیون عالی معاملات شهرداری کرج(دفتر شهردار) مطرح و پس از بررسی و کنترل برنده مناقصه اعلام خواهد شد در ضمن ،هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد. * جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۵۸۹۲۴۱۱-۳۵۸۹۲۴۲۱-۲۶- تماس و یا به سایت www.karaj.ir مراجعه نمایند. | | | | | |